



خطر تحریف امام (ره)



تبیین اصول و مبانی شخصیت امام خمینی

در بیان امام خامنه‌ای



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اشاره :

راهی که حضرت امام خمینی^(ره) پیش روی ملت عزیز ما باز کرده اند، تنها راه برای رسیدن به اهداف بلند انسانی و اسلامی است. آنچه که برای رسیدن به این هدف حائز اهمیت است، حفظ و صیانت این راه از تحریف و عمل به آن در مسیر پیشرفت کشور است. به همین دلیل، بازخوانی اصول و مبانی امام خمینی^(ره) در جهت شناخت تحریف نشدن آن؛ از وظایف اصلی مشتاقان و علاقمندان به انقلاب است.

در همین راستا، بیانات امام خامنه ای (مدظله) در سی و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی^(ره) ناظر به همین مسئله بوده و چه خوب است که اصول و مبانی امام^(ره) را از زبان و نگاه خود ایشان بشنویم.

این سخنرانی کلیدی به منزله ی قطب نمایی است که ما را از منحرف شدن از مسیری که امام^(ره) برای ما ترسیم نموده است باز می دارد و موجب می شود که بدانیم در کجا هستیم و به کدامین سو باید حرکت کنیم .

”مرکز جزوه“ افتخار دارد که با عنوان گذاری و برجسته کردن نکات مهم و تولید این جزوه، قدمی کوچک در راستای اهداف انقلاب، برداشته است. این جزوه را تقدیم می کنیم به روح بلند و ملکوتی امام خمینی (رحمت الله علیه) و شهدای راهش و به امام خامنه ای عزیز، تنها پرچمدار راه راستین انقلاب.

مرکز جزوه : تولید و توزیع محصولات جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی

jozveh88.blog.ir



چند کلامی پیرامون امام عصر (عج)

۵ منجی همه ی ادیان ابراهیمی

۵ امیدآفرینی ؛ بزرگترین خاصیت اعتقاد به منجی

خطر تحریف امام خمینی (ره)

۶ آیا شخصیت ها هم قابل تحریفند؟

۶ امام قطب نمای مسیر حرکت انقلاب

چند ویژگی بارز امام خمینی (ره)

۷ ویژگی اصلی امام ؛ جهاد در راه خدا

۷ دو کار بزرگ امام

۷ اول) برانداختن بنای سلطنت موروثی

۷ دوم) ایجاد یک حکومت و نظامی بر اساس اسلام

۷ جهاد در همه ی جهات

مهمترین خصوصیات منظومه ی فکری و مکتب عملی امام خمینی (ره)

۸ زیربنای اصلی منظومه فکری امام

۸ خصوصیت مکتب ساز منظومه فکری امام

۸ زنده و پویا و پرتحرک و عملیاتی

ما و امام خمینی (ره)

۸ ما چه بودیم !؟

۸ ما چه شدیم ؟..

۹ تنها مسیر رسیدن به همه ی هدف ها ؛ ادامه ی راه امام

تحریف و راه مقابله با آن

- ۱۰ تحریف امام در دوران حیات امام
- ۱۰ تحریف توسط دشمنان
- ۱۰ تحریف توسط عناصر داخلی
- ۱۰ بازخوانی اصول امام ؛ راه مقابله با تحریف

اصول امام

- ۱۱ ۱. اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی
- ۱۲ ۲. اتکال و اعتماد به قدرت خدا و بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر
- ۱۲ دو نمونه از بی‌اعتمادی امام نسبت به مستکبران
- ۱۳ این را داریم لمس میکنیم! (پیرامون مذاکرات هسته‌ای).....
- ۱۳ ۳. اعتقاد به اراده و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکهای دولتی
- ۱۴ ۴. حمایت از محرومان و مستضعفان
- ۱۵ ۵. مخالفت با قلدران بین‌المللی و مستکبران
- ۱۵ حمایت همیشگی از فلسطین و تمام مظلومان عالم
- ۱۶ ۶. استقلال کشور و ردّ سلطه‌پذیری
- ۱۷ ۷. وحدت

چند توصیه

- ۱۷ هرکسی هر حرفی را که خودش می‌پسندد به امام نسبت ندهد
- ۱۸ همدلی و هم‌زبانی بر مبنای وحدت است
- ۱۸ اخم و لبخند ، وعده و تهدید ؛ هدف دشمن سلطه‌گری است
- ۱۸ پروردگارا !
- ۱۹ جدول مرور سریع اصول و مبانی امام خمینی (ره)
- ۱۹ پاورقی

بیانات امام خامنه ای (مدظله) در حرم امام خمینی (ره)

در بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (۱)

والحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا ابی القاسم المصطفی محمد و علی
 ءاله الأطیبین الأطهرین المنتجبین سیما بقیه الله فی الأرضین. اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه
 و علی ءاباته فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصرأ و دليلاً و عیناً حتی تسکنه ارضک طوعاً
 و تمتعه فیها طویلاً. اللهم اعطه فی نفسه و ذریته و شیعتہ و رعیتہ و خاصته و عامته و عدوه و جمیع اهل الدنیا
 ما تقر به عینه و تسر به نفسه.

منجی همه ی ادیان ابراهیمی

در آغاز عرایضم، لازم است عرض ارادتی به ساحت مقدس بقیه الله الأعظم (ارواحنا فداه) بکنیم. منجی آخر الزمان مورد
 اتفاق همه ی ادیان ابراهیمی است؛ اینکه کسی خواهد آمد و جهان را از منجلاب ظلم و جور نجات خواهد داد، در میان
 ادیان ابراهیمی مورد قبول همگان است. در اسلام، نام این منجی هم مشخص شده است؛ این موجود الهی راه این
 انسان بزرگ فوق العاده را در همه ی مذاهب اسلامی به نام مهدی می شناسند. شاید در بین فریق اسلامی هیچ فرقه ای را
 نتوان سراغ داد که معتقد نباشد که مهدی (علیه السلام) ظهور خواهد کرد و او از ذریه ی پیغمبر است؛ حتی نام و کنیه ی
 آن حضرت را هم مشخص میکنند. خصوصیتی که در اعتقاد شیعه وجود دارد این است که این شخصیت را به صورت
 مشخص و معین معرفی میکند؛ او را فرزند امام یازدهم از ائمه ی اهل بیت - حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام)
 - میدانند؛ تاریخ ولادت او به طور مشخص از نظر مورخان شیعه و متکلمان شیعه روشن و واضح است؛ دیگر فریق
 اسلامی، غالباً این نظر را متذکر نشده یا نپذیرفته اند ولی شیعه با ادله ی مسلم و قطعی، حضور و وجود و ولادت آن
 بزرگوار را اثبات میکنند. بعضی استبعاد کرده اند که چگونه ممکن است انسانی متولد بشود و در این زمان طولانی زنده
 بماند. این تنها استبعادی است که در مورد قضیه ی حضرت مهدی، مخالفان مطرح کرده اند و تکرار کرده اند؛ لکن قرآن
 کریم با نص صریح خود، این استبعاد را برطرف میکند. درباره ی حضرت نوح پیغمبر (علیه السلام) میفرماید: قَلْبٌ فِیهِمْ
 أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عاماً؛ (۲) یعنی نوح در میان قوم خود ۹۵۰ سال زندگی کرده است. نه اینکه عمر او این مقدار بود،
 ظاهر مطلب این است که دوران دعوت آن بزرگوار ۹۵۰ سال است؛ بنابراین، این استبعاد جایی ندارد.

امیدآفرینی؛ بزرگترین خاصیت اعتقاد به منجی

بزرگترین خاصیت این اعتقاد در میان شیعیان، امیدآفرینی است. جامعه ی تشیع فقط به برجستگی های تاریخ خود در

گذشته متکی نیست، چشم به آینده دارد. یک نفر معتقد به مسئله‌ی مهدویت طبق اعتقاد تشیع، در سخت‌ترین شرایط، دل [را] خالی از امید نمی‌داند و شعله‌ی امید همواره وجود دارد؛ میدانند که این دوران تاریکی، این دوران ظلم، این دوران تسلط ناحق و باطل قطعاً سپری خواهد شد؛ این یکی از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای این اعتقاد است. البته اعتقاد تشیع نسبت به مسئله‌ی مهدویت به همین‌جا محدود نمیشود؛ بِیْمِهِ رُزْقُ الْوَرَى وَ یُوجِدُهُ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ؛ (۳) مسئله‌ی اعتقاد به مهدویت یک چنین اعتقادی است. این شعله‌ی فروزان، این فروغ تابان، در جوامع شیعی در طول قرن‌های گذشته وجود داشته است و همچنان وجود خواهد داشت و ان‌شاءالله دوران انتظار منتظران سر خواهد آمد. دیروز روز سالگرد ولادت آن بزرگوار بود؛ این مختصر عرض ارادت، به‌مناسبت این میلاد مسعود در جمع شما برادران و خواهران عزیز به عرض رسید.

آیا شخصیت‌ها هم قابل تحریفند؟

اما مطلبی که به مناسبت چهاردهم خرداد برای برادران و خواهران عزیزی که در این جلسه‌ی عظیم و باشکوه حضور دارند و نیز برای ملت ایران آماده کرده‌ام، طبق معمول بحثی درباره‌ی امام بزرگوار ما است. سخن در این باره زیاد گفته‌ایم اما همچنان جای سخن درباره‌ی این مرد بزرگ باقی است. آنچه امروز به شما عرض میکنم تحت عنوان "تحریف شخصیت امام" است. آیا شخصیت‌ها هم قابل تحریفند؟ معمولاً عنوان تحریف را و اصطلاح تحریف را درباره‌ی تحریف متون به کار می‌بریم؛ آیا شخصیت‌ها را هم میشود تحریف کرد؟ بله. تحریف شخصیت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ، یا مجهول بماند، یا غلط معنا شود، یا به‌صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همه‌ی اینها برمیگردد به تحریف شخصیت. شخصیتی که الگو است، امام و پیشوا است، رفتار او، گفتار او برای نسل‌های بعد از خود او راهنما و رهنمود است، اگر تحریف شود زبان بزرگی به‌وجود خواهد آمد. امام را نباید به‌عنوان صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی مورد توجه قرار داد؛ بعضی این‌چنین می‌خواهند: امام یک شخصیت محترمی است در تاریخ این کشور که روزگاری بود، فعال بود، مفید بود، بعد هم از میان جمعیت رفت و روزگار او تمام شد؛ احترامش میکنیم، نامش را با تجلیل می‌آوریم، صرفاً همین؛ بعضی می‌خواهند امام را این‌چنین بشناسند و بشناساند و این‌چنین تلقی کنند؛ این غلط است.

امام قطب نمای مسیر حرکت انقلاب

امام مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحول کرد؛ امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. ملت ایران این مکتب را، این راه را، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد؛ ادامه‌ی این راه بستگی دارد به اینکه این نقشه‌ی راه، درست شناخته بشود؛ بدون اینکه امام را درست بشناسیم - به‌معنای شناخت اصول امام - این نقشه‌ی راه، شناخته نخواهد شد. بدیهی است بحث ما بر مبنای فکری امام است؛ بحث بر سر تصمیم‌های مقطعی و مربوط به زمان یا مکان نیست؛ بحث بر سر آن شاکله‌ی اصلی تفکر امام بزرگوار ما است؛ این را می‌خواهیم درست بشناسیم.

تحریف شخصیت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ، یا مجهول بماند، یا غلط معنا شود، یا به‌صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همه‌ی اینها برمیگردد به تحریف شخصیت.

ویژگی اصلی امام؛ جهاد در راه خدا

امام البتّه یک فقیه بزرگ بود؛ هم یک فقیه برجسته و بزرگ بود، هم فیلسوف بود، هم صاحب‌نظر در عرفان نظری بود، در این مسائل [و] بخش‌های فنی و علمی یک سرآمد به حساب می‌آمد لکن شخصیت برجسته‌ی امام به هیچ‌کدام از اینها وابسته نیست؛ بلکه شخصیت اصلی امام در تحقق مضمون آیه ی “وَّجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ” (۴) [بود]؛ امام بزرگوار با داشتن آن زمینه‌های برجسته‌ی علمی، وارد میدان مجاهدت فی سبیل‌اللّه شد و این مجاهدت را تا آخر عمر خود ادامه داد و حرکت عظیمی را به‌وجود آورد؛ نه فقط در کشور خود بلکه در همه ی منطقه‌ی ما و در همه‌ی دنیای اسلام و به یک اعتبار در همه ی جهان. محصول این حرکت، یک محصول بی‌نظیر بود.

دو کار بزرگ امام

اول) برانداختن بنای سلطنت موروثی

دو کار بزرگ و بی‌سابقه‌ی در تاریخ کشور به‌وسیله‌ی امام تحقق پیدا کرد؛ یکی برانداختن بنای سلطنت موروثی ظالمانه و غیر عاقلانه که چند هزار سال در کشور ما سابقه داشت. این بنای پوسیده‌ی کهنه‌ی غلط که حکومت کشور به دست انسانهایی باشد و به‌صورت موروثی از کسی به کسی برسد، یا با شمشیر و زور نظامی حکومت به دست بیاید و بعد نسل به نسل از یکی به دیگری به ارث برسد، یک سنت غلط و بی‌منطق در طول چند هزار سال در کشور ما بود؛ کار اول امام این بود که این بنای غلط را برانداخت و کار را به دست مردم کشور سپرد.

دوم) ایجاد یک حکومت و نظامی بر اساس اسلام

کار بزرگ دومی که امام بزرگوار انجام داد، ایجاد یک حکومت و نظامی بر اساس اسلام بود که این هم در تاریخ کشور ما بلکه بعد از صدر اسلام در تاریخ کل اسلام بی‌سابقه بود. این جهاد بزرگ امام بزرگوار ما یک چنین محصول ارزشمندی داشت و لذا جا دارد واقعاً گفته بشود که “جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ” (۵) همچنان که در قرآن هست: وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (۶) و همچنان که درباره‌ی اولیای دین گفته میشود، این مرد بزرگ هم مصداق “جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ” است.

جهاد در همه ی جهات

البتّه در حاشیه‌ی این صحبت عرض بکنم که جهاد این مرد بزرگ صرفاً جهاد سیاسی و اجتماعی یا جهاد فکری نبود بلکه همراه با همه‌ی این جهادها، جهاد درونی، جهاد با نفس، پایبندی به ارتباط مستمر و دائم با خدای متعال هم بود؛ این هم درس است. این جور نیست که اگر ما در میدان جهاد فکری یا جهاد علمی یا جهاد سیاسی یا جهاد نظامی وارد شدیم، حق داشته باشیم که از این بخش از جهاد صرف‌نظر کنیم. امام بزرگوار اهل خشوع بود، اهل بکاء بود، اهل دعا

بود، اهل توسل و تضرع بود. در همین ماه مبارک شعبان مکرر این فقره‌ی مناجات شعبانیه را در سخنرانی خود تکرار میکرد: **إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَيْرَ أَبْصَارِ قُلُوبِنَا بَضِيَاءٍ نَنْظُرُهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعِينِ الْعَظْمَةِ.** (۷) این رفتار او بود، گریه‌ی سحرگهان او، مناجات او، دعای او، ارتباط دائمی او که این حالت، پشتوانه‌ی معنوی تداوم و استمرار جهاد این مرد بزرگ را تشکیل میداد. این را هم در حاشیه‌ی جهاد فی سبیل‌الله امام بزرگوارمان به یاد داشته باشیم.

زیربنای اصلی منظومه فکری امام

منظومه‌ی فکری امام دارای خصوصیات کامل یک مکتب فکری و اجتماعی و سیاسی است. اولاً متکی و مبتنی بر یک جهان‌بینی است که این جهان‌بینی عبارت است از توحید. همه‌ی فعالیت او، همه‌ی منطق او مبتنی بود بر **توحید** که زیربنای اصلی همه‌ی تفکرات اسلامی است.

خصوصیت مکتب ساز منظومه فکری امام

خصوصیت دیگر این منظومه‌ی فکری که آن را به صورت یک مکتب به معنای واقعی کلمه در می‌آورد، این است که منظومه‌ی فکری امام **به روز** بود؛ مسائل مورد ابتلای جوامع بشری و جامعه‌ی ایرانی را مطرح میکرد و مخاطبان، آن را حس میکردند. در مکتب فکری امام، ضدیت با استبداد و ضدیت با استکبار حرف اول را میزند؛ این آن چیزی است که ملت ایران هم آن را حس میکرد، ملت‌های مسلمان دیگر بلکه ملت‌های غیر مسلمان [هم] آن را حس کردند؛ برای همین این دعوت گسترش پیدا کرد.

زنده و پویا و پرتحرک و عملیاتی

خصوصیت دیگر این مکتب فکری این بود که زنده و پویا و پرتحرک و عملیاتی بود؛ مثل بعضی از اندیشه‌پردازی‌ها و تئوری‌سازی‌های روشنفکرانه نبود که در محفل بحث، حرف‌های زیبا و قشنگی است اما در میدان عمل کارایی ندارد؛ منطق امام، فکر امام، راه امام، عملیاتی بود؛ قابل تحقق در میدان عمل بود؛ به همین دلیل هم به پیروزی رسید و پیش رفت؛ این حرکت، مسیر تاریخ کشور ما را عوض کرد.

ما چه بودیم !?

ما ملت ایران، ملتی بودیم زیردست و غرقه در بی‌هدفی و ناامیدی؛ ما ملتی بودیم وابسته؛ ملتی بودیم که بعد ما را عقب نگه داشته بودند؛ هم فکر خود را بر ما تحمیل میکردند، هم فرهنگ خود را؛ هم منابع اقتصادی ما را میبردند و هم کاروان لجنزاری از عادت‌های زشت را به سوی کشور ما سرازیر میکردند؛ ما یک چنین ملتی بودیم. [امام] ما را تبدیل کرد به یک ملت پراکنجه، به یک ملت پر

در مکتب فکری امام، ضدیت با استبداد و ضدیت با استکبار حرف اول را میزند؛ این آن چیزی است که ملت ایران هم آن را حس میکرد، ملت‌های مسلمان دیگر بلکه ملت‌های غیر مسلمان [هم] آن را حس کردند؛ برای همین این دعوت گسترش پیدا کرد.

امید، به یک ملت پر تحرک، به یک ملت دارای هدفهای بزرگ.

ما چه شدیم ؟

امروز ملت ایران پر تحرک است، پرانگیزه است، امیدوار است و به سمت هدفهای بزرگ روانه است. البته ما با هدفهای خودمان هنوز خیلی فاصله داریم اما مهم این است که در حال حرکتیم؛ مهم این است که نیرو و همت پیشرفت در ملت ما وجود دارد؛ مهم این است که جوانان ما معتقدند که میتوانند به این هدفها برسند؛ میتوانند عدالت اجتماعی را به طور کامل تأمین کنند؛ میتوانند پیشرفت و ثروت را به این کشور بیاورند؛ میتوانند ما را به یک کشور پیشرفته و دارای قدرت متناسب با هویت تاریخی خودمان تبدیل کنند؛ این امید، امروز در کشور ما موج میزند و جوانهای ما در این جهت در حرکتند. ما از حال تخریب شده بیرون آمدیم، از حال خواب آلودگی بیرون آمدیم، این کار را نهضت امام بزرگوار ما و این مرد بزرگ انجام داده است.

اگر ملت ایران بخواهد به آن هدفها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است.

تنها مسیر رسیدن به همه ی هدف ها ؛ ادامه ی راه امام

اگر ملت ایران بخواهد به آن هدفها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سبلی خواهد خورد. همه باید بدانند که هاضمه‌ی سیری ناپذیر استکبار جهانی چشم از کشورشان برداشته است؛ یک کشور بزرگ، یک کشور ثروتمند، یک کشور واقع شده‌ی در یک چهارراه حساس جهانی، برای قدرتمندان دغل باز عالم خیلی مهم است. اینها دست از طمع خود برداشته‌اند، چشم برداشته‌اند؛ فقط آن وقتی عقب خواهند نشست که شما ملت ایران آن چنان قدرتی پیدا کنید، آن چنان پیشرفتی پیدا کنید که امید آنها قطع بشود. اینجا است که خطر تحریف امام اهمیت پیدا میکند؛ اگر شخصیت امام تحریف شد، بد معرفی شد، غلط معرفی شد، همه‌ی این خطرات بزرگ متوجه ملت ایران خواهد شد؛ اینجا است که خطر تحریف امام به عنوان یک هشدار باید در گوش و چشم مسئولان کشور، صاحب نظران فکری انقلاب، شاگردان قدیمی امام، کسانی که علاقه‌ی به این راه دارند و عموم جوانان فرزاتگان، دانشگاهیان، حوزویان تلقی بشود. خوب، این مقدمه‌ی عریض من بود.

تحریف امام در دوران حیات امام

تحریف توسط دشمنان

در زمان حیات امام هم برای تحریف شخصیت امام کار میشد؛ از یک طرف دشمن بود که از اول انقلاب سعی کرد در تبلیغات جهانی خود امام را به صورت یک انقلابی خشک و خشن - از نوع آنچه در تاریخ انقلابهای بزرگ و معروف عالم مثل انقلاب فرانسه، انقلاب مارکسیستی شوروی و بعضی از انقلابهای دیگر می‌شناسیم - معرفی کند؛ یک انسانی که خشک است و خشن است و گره ابروی او باز نمیشود و صرفاً نگاه میکند به مقابله با دشمن و هیچ عاطفه‌ای، هیچ انعطافی در او نیست؛ امام را این جور معرفی میکردند که این غلط بود. بله، امام قاطع بود، غیر متزلزل بود، در تصمیم خود - همان طور که حالا عرض خواهیم کرد - انسانی راسخ بود لکن مظهر عاطفه بود، مظهر لطافت بود، مظهر محبت بود، مظهر دلداری و دلدادگی در مقابل خدا و در مقابل خلق خدا، بخصوص نسبت به قشرهای مظلوم و مستضعف جامعه بود؛ این کاری بود که دشمن از روز اول در انقلاب ما، در تبلیغات جهانی نسبت به امام انجام میداد.

تحریف توسط عناصر داخلی

در داخل هم بعضی ندانسته، بعضی هم دانسته [شخصیت امام را] تحریف میکردند؛ حتی زمان حیات خود امام. هر حرفی را که به نظرشان پسندیده بود، به امام نسبت میدادند؛ درحالی که ارتباطی به امام نداشت. بعد از رحلت امام هم همین جریان ادامه داشته است؛ حتی تا آنجایی که بعضی حرفها و بعضی اظهارات، امام را به صورت یک آدم لیبرال که هیچ قید و شرطی در رفتار او در زمینه‌های سیاسی، حتی در زمینه‌های فکری و فرهنگی وجود ندارد معرفی میکنند؛ این هم بشدت غلط و خلاف واقع است. ما اگر بخواهیم شخصیت امام را به معنای واقعی کلمه پیدا کنیم، این راه دارد؛ اگر ما این راه را - که عرض خواهیم کرد - رفتیم، مطلب حل خواهد شد و الاً امروز کسانی می‌آیند طبق میل خود و سلیقه‌ی خود یک جور امام را معرفی میکنند، ممکن است در فرداها کسان دیگری بیایند و بر طبق سلاقی دیگری، بر طبق حوادث دیگری که در دنیا پیش می‌آید، مصلحت بدانند که امام را جور دیگری معرفی کنند؛ این نمیشود. محبوبیت امام در بین مردم یک چیز ماندگار است؛ این را نتوانست دشمن از بین ببرد؛ برای همین، مسئله‌ی تحریف شخصیت امام نافذ در دل‌های مردمان زیادی - در کشور و بیرون از کشور - خطر بزرگی محسوب میشود.

باز خوانی اصول امام؛ راه مقابله با تحریف

آن راهی که میتواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است. امام یک اصولی دارد، یک مبانی‌ای دارد؛ این مبانی در طول ده سال دوران حاکمیت اسلامی و پیش از آن در طول پانزده سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است؛ اصول امام را در این بیانات میشود پیدا کرد؛ این اصول راه این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد؛

اینها [استکبار جهانی] دست از
طمع خود برداشته اند، چشم
برنداشته اند؛ فقط آن وقتی عقب
خواهند نشست که شما ملت
ایران آن چنان قدرتی پیدا کنید،
آن چنان پیشرفتی پیدا کنید که
امید آنها قطع بشود. اینجا است
که خطر تحریف امام اهمیت پیدا
میکند.

اسلام آمریکایی در زمان ما و در زمان امام و در همهی زمانها، دو شاخه بیشتر ندارد: یکی اسلام سکولار، یکی اسلام متحجر. اسلام ناب، آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جاافتاده و تکمیلشده در حوزههای علمیّه، استنباط میشود و به دست می‌آید.

شخصیت امام این است. نمیگویم به هر مطلب فرعی توجه کنید؛ زندگی امام مثل همه‌ی انسانهای دیگر فرازونشیب‌هایی دارد؛ حوادثی در آن اتفاق افتاده است و هر حادثه‌ای اقتضای داشته است؛ مطالب اصولی را عرض میکنیم، آن چیزهایی که قابل انکار نیست، جزو بیّنات امام است، در طول سالهای متمادی، چه قبل از تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران جنگ تحمیلی هشت‌ساله، چه قبل از آن و چه بعد از آن، این اصول را امام در بیانات خود تکرار کرده است؛ این اصول را گزینشی هم نایستی انتخاب کرد. من البته امروز پنج شش مورد از اینها را عرض میکنم اما همین‌جا هم میگویم اصول امام ممکن است فقط اینها نباشد، صاحب‌نظران و افرادی که میتوانند و توانایی این کار را دارند، بروند دنبال کنند، بیانات امام را نگاه کنند - بحمدالله تدوین شده

است، موجود است، در اختیار همه است - و این اصول را استخراج کنند. من امروز همه‌ی اصول قابل استخراج از بیانات امام را نمیتوانم عرض بکنم، پنج، شش مورد را امروز عرض میکنم، نمیخواهم گزینشی باشد، لذا میگویم افراد بروند نگاه کنند، مواردی را پیدا کنند؛ اما آنچه را من امروز عرض میکنم جزو مسلمات منطقی امام و مکتب امام و راه امام و خط امام است.

اصول امام

۱. اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی

اولین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است. امام، اسلام ناب را در مقابل اسلام آمریکایی قرار داد. اسلام آمریکایی چیست؟ اسلام آمریکایی در زمان ما و در زمان امام و در همه‌ی زمانها - تا آنجایی که ما می‌شناسیم، ممکن است در آینده هم همین‌جور باشد - دو شاخه بیشتر ندارد: یکی اسلام سکولار، یکی اسلام متحجر؛ لذا امام، آن کسانی را که تفکر سکولاری داشتند - یعنی دین را، جامعه را، رفتار اجتماعی انسانها را، جدای از اسلام میخواستند - همواره در ردیف کسانی گذاشت که نگاه متحجرانه‌ی به دین داشتند؛ یعنی نگاه عقب‌افتاده‌ی غیرقابل فهم برای انسانهای نواندیش و متعصبانه‌ی بر روی مبانی غلط، تحجر؛ هردوی اینها را امام در کنار هم همواره ذکر کرده است. امروز که شما نگاه میکنید، می‌بینید هردو نمونه‌ی اسلام، در دنیای اسلام وجود دارد، هردو هم مورد حمایت قدرتهای قلدر دنیا و مورد حمایت آمریکا است. امروز، هم جریان منحرف داعش و القاعده و امثال اینها مورد حمایت آمریکا و اسرائیلند، هم بعضی از جریانهای به نام اسلام و بیگانه‌ی از عمل اسلامی و فقه اسلامی و شریعت اسلامی، مورد حمایت آمریکا است. اسلام ناب از نظر امام بزرگوار، آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جاافتاده و تکمیل شده‌ی در

حوزه‌های علمیه، استنباط میشود و به دست می‌آید. این جور نیست که روش استنباط مورد توجه نباشد و هر کسی بتواند قرآن را باز کند و اصول حرکت اجتماعی را استنباط بکند؛ نه، این یک مِتَد دارد، این یک روش دارد؛ این روش علمی است، کارشده است، کسانی هستند که میتوانند این روش را دنبال کنند. اسلام ناب از نظر امام بزرگوار این است، البته هر کسی هم که آن مِتَد را بلد است، آن روش را بلد است، قادر نیست؛ باید فکر روشن داشته باشد، باید آشنا با زمان و مکان باشد، باید نیازهای بالفعل جوامع بشری و جوامع اسلامی را بشناسد، باید دشمن را بشناسد، نحوه دشمنی‌های او را بداند، آن وقت میتواند اسلام ناب را مشخص کند و بشناسد و بشناساند. **اسلام آخوندهای دریاری** - که امام مکرر با همین تعبیر از آنها اسم می‌آوردند - اسلام داعشی؛ از آن طرف، **اسلام بی تفاوت** در مقابل جنایات صهیونیستی، در مقابل جنایات آمریکا، اسلام چشم‌دوخسته‌ی به آمریکا و قدرتهای بزرگ و به اشارهی آمریکا، اینها همه سر در یک آخور دارند؛ در یک جا اینها همه به هم میرسند؛ از نظر امام اینها همه مردودند. اسلامی که امام معرفی میکند، در مقابل همه‌ی اینها است. پیرو امام، آن کسی که دنباله‌رو امام است، باید مرزبندی داشته باشد؛ هم با اسلام متحجر، هم با اسلام سکولار؛ اسلام ناب را شناسایی کند و دنبال کند. یکی از اصول امام این است. این چیزی نیست که امام یک‌بار گفته باشد؛ در سرتاسر آثار امام، بیانات امام، گسترده است.

۲. اِتْکال و اعتماد به قدرت خدا و بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر

دوم: یکی از اصول امام اِتْکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی است؛ این یکی از اجزاء مکتب امام است. اِتْکال به قدرت الهی؛ خدای متعال وعده داده است به مؤمنین؛ و کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده‌اند: **و لَعْنَهُمُ اللَّهُ، (۸) وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم، (۹) أَنْ كَسَانِي كَهَ "الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعْنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا" (۱۰)** اعتقاد به وعده‌ی الهی، به صدق وعده‌ی الهی - که فرموده است **"إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ"** (۱۱) - یکی از ارکان تفکر امام بزرگوار ما است؛ باید به این وعده اعتماد و اِتْکال کرد. نقطه‌ی مقابل، به دل‌خوش کُنْک‌های دشمنان، مستکبران، قدرتهای جهانی، مطلقاً نباید اعتماد کرد؛ این هم در عمل امام، در رفتار امام، در بیانات امام به‌طور کامل مشهود است. این اِتْکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او، موجب میشد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد. امام با صراحت صحبت میکرد؛ آنچه را مورد اعتقاد او بود صریح بیان میکرد، چون اِتْکاء به خدا داشت، نه اینکه نمیدانست قدرتها بدشان می‌آید، نه اینکه نمیدانست آنها عصبانی میشوند، میدانست اما به قدرت الهی، به کمک الهی، به نصرت الهی باور داشت. در برابر حوادث، دچار رودربایستی نشد؛

دو نمونه از بی‌اعتمادی امام نسبت به مستکبران

به یکی از نامه‌ها - امام شاید به دو نامه از نامه‌های سران مستکبر دنیا یا وابستگان به مستکبر، - که به او نوشته بودند جواب داد، امام به آن نامه، با صراحت تمام، مطلب را

این اِتْکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او، موجب میشد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد. امام با صراحت صحبت میکرد؛ چون اِتْکاء به خدا داشت، نه اینکه نمیدانست قدرتها بدشان می‌آید، نه اینکه نمیدانست آنها عصبانی میشوند، میدانست اما به قدرت الهی، به نصرت الهی باور داشت.

ما حالا در قضایای گوناگون جاری خودمان داریم همین معنا را لمس میکنیم، می بینیم که چطور نمیشود به وعده ی مستکبرین اعتماد کرد، به حرفهایی که در جلسه ی خصوصی میزنند نمیشود اعتماد کرد. امام آن را جزو خطوط اصلی کار خود قرار داد، اعتماد به خدا، بی اعتمادی به مستکبران.

جواب داد که همان وقت در صداوسیما ی جمهوری اسلامی پخش شد. البته امام مؤذبانه حرف میزد اما مواضع قاطع و روشن خود را در آن نامه ها بیان کرد و این توکل خود را امام مثل خونی در شریان ملت جاری کرد؛ ملت هم اهل توکل به خدای متعال شد، به نصرت الهی معتقد شد، و در این راه وارد شد. اینکه امام به مستکبرین هیچ اعتمادی و هیچ اعتقادی نداشت، موجب میشد که به وعده های آنها اعتنائی نکنند. رئیس جمهور آمریکا - ریگان، که رئیس جمهور مقتدری بود هم - به امام نامه نوشت و پیغام فرستاد و آدم فرستاد، امام به او اعتنائی نکرد، پاسخی به او نداد و اعتنائی نکرد و وعده های را که او داده بود، امام به هیچ گرفت.

این را داریم لمس میکنیم!

در یک مورد دیگر، یک وعده ای در مورد پایان جنگ تحمیلی، یکی از دولتهای وابسته ی به آمریکا داده بود، بحث صدها میلیارد یا هزار میلیارد در میان بود، امام اعتنائی به آن نکردند، اعتماد نکردند. ما حالا در قضایای گوناگون جاری خودمان داریم همین معنا را لمس میکنیم، می بینیم که چطور نمیشود به وعده ی مستکبرین اعتماد کرد، به حرفهایی که در جلسه ی خصوصی میزنند نمیشود اعتماد کرد، این را داریم لمس میکنیم. امام آن را جزو خطوط اصلی کار خود قرار داد، اعتماد به خدا، بی اعتمادی به مستکبران. این البته به معنای قطع رابطه ی با دنیا نبود، [چون] سران کشورها به مناسبتهای مختلف برای امام پیام تبریک میفرستادند، امام هم به پیام تبریک آنها جواب میداد. ارتباط این جوری، در حد معمول، مؤذبانه و محترمانه وجود داشت اما هیچ گونه اعتمادی به مستکبرین و قلدران و تبعه و دنباله روان آنها وجود نداشت.

۳. اعتقاد به اراده و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی

سوم: اعتقاد به اراده ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ این از جمله ی خطوط اصلی حرکت امام است. در آن روزها سعی میشد به خاطر یک برداشت نادرست، همه ی کارهای اقتصادی کشور به دولت موقوف و وابسته شود؛ امام بارها و بارها هشدار میداد - و این هشدارها در بیانات ایشان به طور واضح منعکس است - که این مسائل را به مردم بسپارید؛ اعتماد به مردم داشت در مسائل اقتصادی، اعتماد به مردم داشت در مسائل نظامی. این را توجه کنند: امام از اول پشتیبان ارتش بود؛ کسی که مانع از انحلال ارتش در کشور شد، شخص امام بود، با وجود این، نیروی سپاه را به وجود آورد، بعد هم نهاد بسیج را به وجود آورد؛ حرکت نظامی را یک جریان مردمی قرار داد. در مسائل اقتصادی، تکیه ی به مردم؛ در مسائل نظامی، تکیه ی به مردم؛ در مسائل سازندگی کشور، تکیه ی به مردم، که جهاد سازندگی را به راه انداخت؛ در مسائل تبلیغات، تکیه ی به مردم؛ و بالاتر از همه مسئله ی انتخابات کشور و آراء مردم در مدیریت کشور و تشکیلات نظام سیاسی کشور. در تمام طول این مدت - دوران حاکمیت امام بزرگوار ما ده سال است؛ از این ده سال، هشت سال در این کشور جنگ بود؛ شهرها بمباران میشد؛ جبهه ها مشغول جنگ بودند - که شاید در حدود ده

انتخابات در کشور انجام گرفت، انتخاباتهای گوناگون یک روز از تاریخ مقررّ خود عقب نیفتاد؛ در همه‌ی مراحل، در همه‌ی احوال، در همه‌ی شرایط، امام بزرگوار اصرار داشت که انتخابات در وقت مقررّ خود انجام بگیرد. اینکه در بعضی از کشورها معمول است حالت فوق‌العاده اعلام میکنند، امام یک روز حالت فوق‌العاده اعلام نکرد، به انتخابات اهمّیت میداد. در روز انتخابات جزو اولین کسانی که پای صندوق رأی حاضر میشد، شخص امام بزرگوار بود؛ اعتقاد به مردم، و به معنای حقیقی کلمه احترام برای آراء مردم و افکار مردم و تشخیص مردم قائل بود؛ ممکن بود آن چیزی را که مردم انتخاب میکنند، مورد نظر امام در یک موردی هم نباشد اما در عین حال برای آراء مردم احترام قائل بود، آنها را محترم میشمرد، آنها را معتبر میشمرد، این هم یکی از چیزها است. امام در مورد مردم به اینها هم اکتفا نکرد، مردم را ولی نعمت مسئولان معرفی کرد؛ مکرراً امام ذکر کردند که **این مردم ولی نعمت ما هستند**؛ مواردی خود را خادم ملت معرفی کرد؛ میگفت: اگر به من خادم ملت بگویند بهتر از این است که رهبر بگویند؛ این حرف بزرگی است، نشان‌دهنده‌ی جایگاه برجسته‌ی مردم و افکار مردم و آراء مردم و حضور مردم در نظر امام است؛ مردم هم پاسخ مناسب دادند؛ در صحنه حضور پیدا کردند؛ آنجایی که انگشت اشاره‌ی او بود، مردم با جان‌ودل در آنجا حاضر شدند. این متقابل بود؛ امام به مردم اعتماد داشت، مردم به امام اعتماد داشتند؛ امام مردم را دوست داشت، مردم امام را دوست داشتند؛ این رابطه‌ی متقابل، یک امر طبیعی است.

۴. حمایت از محرومان و مستضعفان

نکته‌ی چهارم در بُعد مسائل داخلی کشور؛ امام طرف‌دار جدّی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدّت و حدّت رد میکرد؛ **اشرافیگری** را با تلخی رد میکرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرف‌دار عدالت اجتماعی بود؛ طرف‌داری از مستضعفان شاید یکی از پرکرارت‌ترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند؛ این یکی از خطوط روشن امام است؛ این یکی از اصول قطعی امام است، همه باید تلاش کنند که فقر را ریشه‌کن کنند؛ همه تلاش کنند که محرومان را از محرومیّت بیرون بیاورند و تا آنجایی که در توان کشور است، به محرومان کمک کنند. از آن طرف به مسئولان کشور هشدار میداد درباره‌ی **خوی کاخ‌نشینی** - این نکته‌ای که در قرآن هم آمده است:

وَ سَكَنَتْهُمْ فِي مَسْكِنٍ الَّذِينَ ظَلَمُوا - (۱۲) و همه را از خوی کاخ‌نشینی برحذر میداشت، تأکید مکرراً میکرد بر اینکه به وفاداری طبقات ضعیف اعتماد کنید؛ این را امام مکرراً میگفت که این **کوخ‌نشینانند**، این فقرا نیستند، این محرومانند که این صحنه‌ها را با وجود محرومیتهای پر کرده‌اند، اعتراض هم نمیکند، در میدانهای خطر هم حاضر میشوند؛ [اما] آن کسانی که برخوردارای های بیشتری داشتند، در موارد مختلف اگر مشکلی پیش می‌آمد، اتفاقاً آنها بیشتر ابراز نارضایی میکردند. این وفاداری طبقات متوسط مردم و طبقات محروم مردم، از نظر امام یک امر برجسته بود و این را تأکید میکرد. بر مصرف درست بیت‌المال تأکید میکرد، بر پرهیز کردن از اسراف تأکید میکرد. این هم یکی از خطوط اساسی است.

آنجایی که انگشت اشاره‌ی او بود، مردم با جان و دل در آنجا حاضر شدند. این متقابل بود؛ امام به مردم اعتماد داشت، مردم به امام اعتماد داشتند؛ امام مردم را دوست داشت، مردم امام را دوست داشتند؛ این رابطه‌ی متقابل، یک امر طبیعی است.

مسئله‌ی عدالت اجتماعی، طرف‌داری از محرومان و دوری از خوی اشرافیگری و خوی تجمل‌گرایی و عمل در این جهت.

۵. مخالفت با قلدران بین‌المللی و مستکبران

نکنته‌ی پنجم در بُعد خارجی [است]. امام صریحاً در جبهه‌ی مخالف قلدران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمی‌کرد. این است که امام در مقابله‌ی میان قلدران و مستکبران و قدرتهای زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه‌ی مظلومان بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی‌تقیه این را بیان می‌کرد. طرف‌دار جدی مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سر‌آشتی نداشت. واژه‌ی "شیطان بزرگ" برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی شما یک

واژه‌ی "شیطان بزرگ" برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی شما یک کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد.

کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد، باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد؛ امام تا روز آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت؛ عنوان شیطان بزرگ را، هم به کار میبرد، هم از بن دندان اعتقاد به این معنا داشت. در مقابل از اول انقلاب کسانی بودند که توجه نمی‌کردند که آمریکا عقبه‌ی تغذیه‌کننده‌ی رژیم طاغوتی است که به‌وسیله‌ی ملت ایران برافتاد. ملت ایران رژیم طاغوت را ساقط کردند، اما کسانی بودند آن روز که با حضور آمریکایی‌ها، با فعالیت آنها - حتی فعالیت برخی از نهادهای آمریکایی - در داخل کشور موافق بودند! اختلاف عمده‌ی دولت موقت با امام بزرگوار سر این قضیه بود؛ ما از نزدیک میدیدیم. آنها توجه نمی‌کردند که آمریکا تغذیه‌کننده‌ی رژیم طاغوت بود؛ این رژیم حالا برافتاده است اما آن دستگاه تغذیه‌کننده هنوز باقی است، فعال است، اگر به او میدان داده شود، مجال داده شود، دوباره مشغول خواهد شد و ضربه خواهد زد و نقاط ضعف را جستجو خواهد کرد و از آن نقاط ضعف وارد خواهد شد؛ این را توجه نمی‌کردند. امام این را میدید، لذا موضع‌گیری امام در زمینه‌ی مسئله‌ی لانه‌ی جاسوسی ناشی از همین نگاه و همین دیدگاه بود. در دنیا کسانی به این نقطه توجه نکردند و ضربه‌اش را خوردند که حالا نمی‌خواهیم کسانی را شماتت و ملامت کنیم؛ اما این ضربه‌ای است که بعضی خوردند، به خاطر اینکه رژیم‌های مرتجع و مستکبر را ساقط کردند، [ولی] عقبه‌ی آنها را نادیده گرفتند. امام این عقبه را از روز اول دید، با آن مقابله کرد؛ لذا تا آخر، امام علیه آمریکا و دستگاه سیاسی و امنیتی آمریکا موضع داشت.

حمایت همیشگی از فلسطین و تمام مظلومان عالم

مقابلاً امام بزرگوار در طول این سالیان دراز از فلسطین حمایت کرد، دفاع کرد. از فلسطین دفاع کرد، از افغانستان دفاع کرد. آن روزی که شوروی‌ها وارد افغانستان شدند، با اینکه ما گرفتار دشمنی آمریکا بودیم - دولتها معمولاً در این مواقع که با یک طرف گرفتاری دارند، با طرف دیگر می‌سازند - امام بزرگوار در همان حال در مقابل شوروی موضع قاطع گرفت، که این موضع قاطع را حتی بعضی از دولتهایی که گرایش غربی داشتند هم نگرفتند اما امام بزرگوار بدون هیچ

ملاحظه‌ای از ملت افغانستان حمایت کرد، از ملت لبنان حمایت کرد، فلسطینی‌ها را با کمال صمیمیت مورد حمایت خودش قرار داد. این منطق امام است در مورد مقابله‌ی با استکبار. با این منطق امروز میشود قضایای دنیا را شناسایی کرد، موضع درست را میشود فهمید. امروز ما به همان اندازه‌ای که با رفتار وحشیانه و ظالمانه‌ی جریان داعش در عراق و در سوریه مخالفیم، به همان اندازه با رفتار ظالمانه‌ی پلیس فدرال آمریکا در داخل کشورشان مخالفیم - اینها هر دو مثل هم هستند - به همان اندازه با محاصره‌ی غزه که محاصره‌ی ظالمانه‌ای است علیه مردم مظلوم غزه مخالفیم، به همان اندازه با بمباران مردم مظلوم و بی‌پناه یمن مخالفیم، به همان اندازه با سخت‌گیری‌هایی که علیه مردم بحرین به‌وجود می‌آید مخالفیم، به همان اندازه با حمله‌ی هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به مردم در افغانستان و در پاکستان مخالفیم. این منطق، منطق امام است. **هرجا ظلم هست دو طرف وجود دارد: ظالم و مظلوم؛ ما طرف دار مظلومیم، مخالف با ظالمیم؛** این موضع‌گیری‌ای است که امام بصراحت انجام میداد و این یکی از خطوط اصلی است. امروز هم به همین دلیل مسئله‌ی فلسطین برای ما یک مسئله‌ی اصلی است؛ **این را همه بدانند. مسئله‌ی فلسطین از دستور کار نظام جمهوری اسلامی خارج نخواهد شد.** مسئله‌ی فلسطین، عرصه‌ی یک مجاهدت واجب و لازم اسلامی است، هیچ حادثه‌ای ما را از مسئله‌ی فلسطین جدا نمیکند. ممکن است کسانی در صحنه‌ی فلسطین باشند که به وظایفشان عمل نکنند، حساب آنها جدا است اما مردم فلسطین، ملت فلسطین، مجاهدان فلسطینی مورد تأیید و حمایت ما هستند.

۶. استقلال کشور و ردّ سلطه‌پذیری

یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام، مسئله‌ی استقلال کشور، ردّ سلطه‌پذیری [است]؛ این هم یکی از سرفصل‌های مهم است. من سال گذشته در همین جلسه به مستمعین آن سال عرض کردم، (۱۳) استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت؛ این معنای استقلال است. اینکه بعضی در زبان یا در شعار دنبال آزادی‌های فردی باشند اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد اما آزادی یک ملت، آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریمهای مخالفان و بیگانگان، محترم نباشد! این اصلاً قابل فهم نیست،

قابل قبول نیست. متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی میکنند برای نفی استقلال کشور، استقلال را گاهی به انزوا معنا میکنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید، قلم‌زنی میکنند و حرف میزنند؛ این حرفها هم در بین جامعه پخش میشود. کسانی این جوری حرکت میکنند. این یک غلط بزرگ، یک خطای بسیار مهم و خطرناک است. امام معتقد به استقلال کشور بود، معتقد به ردّ سلطه‌ی [بر] کشور بود. دشمن ما در طول این سالها، بسیاری از فعالیتهایی که علیه کشور ما و ملت ما کرده است برای این بود که خدشه‌ی در استقلال به‌وجود بیاورد؛ چه با تحریم، چه با تهدید، اینها استقلال را هدف گرفته‌اند. باید همه هوشیار باشند، بدانند که هدفهای دشمن چیست. این هم یکی از

چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد اما آزادی یک ملت، آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریمهای مخالفان و بیگانگان، محترم نباشد! این اصلاً قابل فهم نیست، قابل قبول نیست. متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی میکنند برای نفی استقلال کشور.

خطوط اصلی است.

۷. وحدت

هم شیعه توجه کند، هم سنی
توجه کند؛ بازی دشمن را نخورند.
آن تستنی که آمریکا از آن حمایت
کند و آن تشییعی که از مرکز لندن
به دنیا صادر بشود، اینها مثل هم
هستند؛ هر دوی آنها برادران
شیطانند، هر دوی آنها عوامل
آمریکا و غرب و استکبارند.

یکی دیگر از خطوط اصلی تفکر امام و راه امام و خطاً
امام - این مطلب آخری است که عرض میکنم -
مسئله‌ی وحدت ملی است و توجه به توطئه‌های
تفرقه‌افکن؛ چه تفرقه‌ی بر اساس مذهب، شیعه و سنی؛
چه تفرقه‌ی بر اساس قومیتها، فارس و عرب و ترک و
کرد و لر و بلوچ و امثال اینها. تفرقه‌افکنی یکی از
سیاستهای قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما از اول بر
روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت، یک تکیه‌ی کم‌نظیر
داشت که این یکی از خطوط است. امروز ما این خط را
هم باید دنبال بکنیم. امروز شما می‌بینید در دنیا مسئله‌ی
تفرقه‌ی دنیای اسلام یکی از سیاستهای اصلی استکبار
است. آمریکایی‌ها کارشان به آنجا رسیده است که حالا

دیگر اسم شیعه و سنی می‌آورند؛ اسلام شیعه، اسلام سنی؛ از یکی حمایت میکنند، به یکی حمله میکنند. در حالی که
جمهوری اسلامی ایران از اول نسبت به این مسئله‌ی اختلاف مذهبی یک نگاه کاملاً یکسانی داشت. ما با برادران
فلسطینی‌مان که سنی‌اند همان جور عمل کردیم که با برادران حزب‌الله لبنان که شیعه هستند عمل کردیم. همه جا یک
جور عمل کردیم. نگاه امام بزرگوار ما در داخل کشور این بود، در دنیای اسلام نگاه جمهوری اسلامی نگاه
امت‌ساز است، امت اسلامی مورد نظر است. اینکه نوکرهای دست دوم آمریکا می‌آیند مسئله‌ی هلال شیعی را
 مطرح میکنند، این نشان دهنده‌ی سیاستهای تفرقه‌افکن است. اینکه آمریکایی‌ها علی‌رغم تبلیغات فراوان، نسبت به
همین گروه‌های تفرقه‌افکن تکفیری در عراق و سوریه مداخلات میکنند - حیثاً در مواردی هم به آنها به‌صورت بی‌خبر و
مخفیانه کمک میکنند، عواملشان که به‌صورت صریح از آنها حمایت میکنند - این نشان دهنده‌ی این است که نقش
تفرقه‌افکنی از نظر دشمنان اسلام و مسلمین و دشمنان جمهوری اسلامی نقش بسیار برجسته‌ای است. این را همه توجه
کنند؛ هم شیعه توجه کند، هم سنی توجه کند؛ بازی دشمن را نخورند. آن تستنی که آمریکا از آن حمایت کند و آن
تشیعی که از مرکز لندن به دنیا صادر بشود، اینها مثل هم هستند؛ هر دوی آنها برادران شیطانند، هر دوی آنها عوامل
آمریکا و غرب و استکبارند.

همدلی و هم‌زبانی بر مبنای وحدت است

همدلی و هم‌زبانی‌ای که ما امسال اول سال بر آن تکیه کردیم و مکرر بعد از آن تکرار کردیم، بر همین مبنا استوار
است. در داخل کشور، خواهران و برادران از اقوام مختلف، از مذاهب گوناگون، در کنار هم یدواحد تشکیل بدهند -
همچنان که بحمدالله تا امروز بوده است - نگذارند دشمن نفوذ کند در قلمرو دنیای اسلام. در سطح وسیع و گسترده هم
همین‌طور برادران سنی و شیعه در کنار هم بدانند که دشمنی [هست که] دارد اصل موجودیت اسلام را تهدید میکند.
این هم یکی از خطوط اساسی.

هر کسی هر حرفی را که خودش می‌پسندد به امام نسبت ندهد

من هفت مورد را از مبانی و اصول امام عرض کردم و مطمئناً اصول امام منحصر در اینها نیست. دیگران هم بگردند، منتها هر کسی هر حرفی را که خودش می‌پسندد به امام نسبت ندهد. آنچه را به امام نسبت میدهیم، باید در منابع مربوط به امام موجود باشد، آن هم به شکل مکرر، به شکل مستمر، مثل همین موارد هفت‌گانه‌ای که ما گفتیم؛ اینها از اول بیانات امام تا آخر، همین‌طور که انسان مراجعه میکند، در طول سالهای متمادی، همه‌ی این مطالب را انسان در بیانات امام میبیند، اینها میشوند اصول. دیگران هم بگردند با همین شیوه اصول را پیدا کنند. جاذبه و دافعه‌ی امام بر مبانی این اصول بود. ما هم می‌خواهیم جاذبه و دافعه داشته باشیم؛ جاذبه بر اساس این اصول، دافعه بر اساس این اصول.

اخم و لبخند، وعده و تهدید؛ هدف دشمن سلطه‌گری است

همه هم بدانند که هدف دشمنان ما با ریختهای مختلف و قیافه‌گیری‌های مختلفی که از خودشان نشان میدهند - گاهی اخم میکنند، گاهی لبخند میزنند، گاهی اوقات وعده میدهند، گاهی تهدید میکنند - تسلط بر کشور است. دشمن میخواهد برگردد به دوران سلطه‌ی بی‌قیدوشرط خود بر این کشور؛ چون اسلام با این برگشت بشدت مخالف است و نیروی مقاوم در مقابل این توطئه‌ی دشمن "اسلام" است، با اسلام مخالفند. مخالفت دشمن با اسلام به‌خاطر این است که میدانند معارف اسلامی، احکام اسلامی در مقابل آنها سدّ مستحکمی درست کرده است. با ملت ما مخالفند، چون ملت در مقابل آنها مثل کوهی ایستاده است. با هر کسی در میان ملت که در مقابل دشمن ایستادگی بیشتری داشته باشد، بیشتر مخالفند. با عناصر مؤمن بیشتر مخالفند، با سازمانها و نهادهای انقلابی بیشتر مخالفند، با عناصر حزب‌اللهی بیشتر مخالفند؛ چون میدانند اینها سدهای محکم و مستحکم در مقابل نفوذ دشمنان هستند. دشمن دنبال سلطه‌گری است و همه‌ی تلاش دشمن برای این است که جلوی حرکت اسلامی نظام جمهوری اسلامی را که مایه‌ی پیشرفت و ترقی و اوج این ملت است بگیرد. یک کهنه‌سیاست‌مدار آمریکایی گفته بود که گروه‌های تروریست تکفیری برای ما غربی‌ها اهمیتی ندارند، باشند عیب ندارد، آنچه برای ما مهم است، ایران اسلامی است؛ چون ایران اسلامی درصدد ایجاد یک تمدن عظیم است - البته او تعبیر "امپراتوری" به کار برده است که غلط کرده - لذا ما باید ایران اسلامی را مقابل خودمان و دشمن مهم خودمان بدانیم. این حرف، اهمیت امت‌سازی را هم به ما نشان میدهد.

پروردگارا!

این عرایض امروز ما [بود] به شما برادران عزیز، به کسانی که از راه‌های دور تشریف آوردید، از شهرهای مختلف، خوشامد عرض میکنیم؛ خسته نباشید میگویم؛ ان‌شاءالله خداوند همه‌ی شما را محفوظ بدارد. پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند میدهیم رحمت و برکات خودت را بر این ملت بزرگ و برومند نازل فرما. پروردگارا! رحمت و برکت خود را بر روح این مرد بزرگ، این امام بزرگوار که این راه نورانی را در مقابل ما باز کرد نازل بفرما. پروردگارا! ما را پیروان صادق این راه قرار بده و مرگ ما را به شهادت در این راه قرار بده. پروردگارا! قلب مقدس ولی‌عصر (ارواحنا فدا) را از ما راضی و خشنود بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

مهم‌ترین اصول امام خمینی (رحمه‌الله)

۱	اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی	اسلام ناب از نظر امام بزرگوار، آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جاافتاده و تکمیل شده در حوزه‌های علمیه استنباط می‌شود و به‌دست می‌آید. اسلام آمریکایی دوشاخه بیشتر ندارد: یکی اسلام سکولار و دیگری اسلام متحجر.
۲	اعتماد به وعده‌ی الهی و بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی	اعتماد به قدرت پروردگار موجب می‌شد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد، چون اتکاء به خدا داشت. نه اینکه نمی‌دانست قدرت‌ها بدشان می‌آید و عصبانی می‌شوند، می‌دانست؛ اما به قدرت الهی و نصرت الهی باور داشت.
۳	اعتقاد به اراده مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی	در آن روزها، سعی می‌شد به خاطر یک برداشت نادرست، همه‌ی کارهای اقتصادی کشور به دولت موکول شود، امام بارها و بارها هشدار می‌داد، در مسائل اقتصادی، نظامی، سازندگی کشور، تبلیغات و بالاتر از همه انتخابات کشور به مردم اعتماد داشت.
۴	حمایت از محرومان و مستضعفان و مخالفت با خوی کاخ‌نشینی	همه باید تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند، تا آن جایی که در توان کشور است به محرومان کمک کنند، امام مکرر می‌گفت این کوخ‌نشینان و فقرا و محرومان‌اند که این صحنه‌ها را پر کردند، با وجود محرومیت‌ها اعتراض هم نمی‌کنند، در میدانهای خطر هم حاضر می‌شوند.
۵	مخالفت صریح با جبهه‌ی قدران بین‌المللی و مستکبران	امام با مستکبرین سر‌آشتی نداشت، واژه "شیطان بزرگ" برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود، وقتی شما یک دستگاهی راه، شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار و احساسات شما، در مقابل او چگونه باشد، امام تا روز آخر نسبت به آمریکا، همین حساس را داشت، عنوان "شیطان بزرگ" را هم به کار می‌برد.
۶	اعتقاد به استقلال ملی و رد سلطه‌پذیری	استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت. اینی که بعضی در زبان یا در شعار، دنبال آزادی‌های فردی باشند، اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است.
۷	تکیه بر وحدت ملی	توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن، چه تفرقه بر اساس مذهب شیعه و سنی، چه تفرقه بر اساس قومیت‌ها [از خطوط اصلی امام بود]، تفرقه‌افکنی یکی از سیاست‌های قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما بر روی وحدت ملی و اتحاد احاد ملت یک تکیه کم‌نظیر داشت.

پاورقی

- ۱) این بیانات در مرقد امام برگزار شد. قبل از شروع بیانات، حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی مطالبی بیان کرد.
- ۲) سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۱۴
- ۳) شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۴
- ۴) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۷۸
- ۵) بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۱۸
- ۶) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۷۸
- ۷) اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۷
- ۸) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۶۸
- ۹) از جمله سوره‌ی مجادله، بخشی از آیه‌ی ۱۴
- ۱۰) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۶
- ۱۱) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷
- ۱۲) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۴۵

اگر راه امام را گم کنیم ، یا

فراموش کنیم ، یا خدای نکرده

عمدا به کنار بگذاریم ؛

ملت ایران سیلی خواهد خورد.



امام خامنه ای ۱۳۹۴/۳/۱۴

سلسله جزوات صراط تولید شده توسط مرکز جزوه :

۱- چالش آینده ی انقلاب

۲- نقاط ضعف و قوت جمهوری اسلامی ایران

۳- به عقب پرتاب خواهیم شد

۴- روضه ی غیرت

۵- خطر تحریف امام خمینی (ره)

مرکز جزوه ۵۵ : تولید و توزیع محصولات جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی .

فروش : وارثین ؛ دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه ی

شهدا، روبروی مسجد لب خندق، تلفن: ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴ و ۰۶۱-۴۲۲۵۴۵۵۶

jozveh88.blog.ir